

Animals' Sentiments and Love from the Point of View of Sadraii Wisdom

Hamidreza Mirzaei* 

Associate Professor of Agricultural Sciences and Engineering, Payame Noor University, Tehran, Iran

Abstract


This survey has been done to illuminate and explain Sadra's ontological viewpoint on the entity of the inborn and innate love in the existence of non-human animals using the analytic and descriptive method (library documentary). In the sight of Sadra, in the whole universe, from the lowest beings to the highest ones, love permeates through the entire world of existence. From Sadraii's wisdom viewpoint, animals are one of the creatures in the essence of existence that possesses their own perfect attributes. Animals have souls, the effects of which are life, perception, free choice, and love. Love is one of the hallmarks and perfections of existence in animals. Animals have an order for their existence, and they are attributed with perfection to the extent of their intensity and weakness. That is to say, all animals are not at the same level. Their perfection is also the same as their existence. There are life, perception, and love in animals, but depends on their proportion of existence. All animals are in love, but every animal having the highest share of its rank enjoys more love. Mullah Sadra's ontological principles in proving the existence and flow of love in animals are that the existence is "original", "non-composite", "equivocal" and "coextensive" with life, conception, and love, and "God, the Almighty, is the true Beloved of all beings including animals' souls." Evolutionally, animals can only move to the point where the humanity of human beings.

Keywords: Sadraii wisdom, Mullah Sadra, Animal, Sentiments, Love.

* Corresponding Author: h.mirzaei9@gmail.com

How to Cite: Mirzaei, H. R. (2021). Animals' Sentiments and Love from the Point of View of Sadraii Wisdom. *Hekmat va Falsafeh*, 66 (16), 151 -176.

پدیده عشق در حیوانات از دیدگاه حکمت صدرایی

حمیدرضا میرزایی  * | دانشیار علوم و مهندسی کشاورزی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

این بررسی به منظور تبیین دیدگاه هستی‌شناسی صدرایی در مورد ماهیت پدیده عشق غریزی و نهفته در وجود حیوانات غیر انسانی با استفاده از روش پیمایشی و نیز تحلیلی - توصیفی (اسنادی کتابخانه‌ای) انجام شده است. موسس حکمت متعالیه معتقد است که در کل عالم هستی، از پست‌ترین موجودات تا عالی‌ترین آن‌ها عشق سرّیان دارد. بر اساس نظر ملاصدرا، حیوان یکی از موجودات متن واقع است که دارای صفات کمالی مختص به مراتب خود است. حیوانات دارای نفس هستند که از آثار آن، کمالاتی از قبیل حیات، درک، اختیار و عشق است. از منظر حکمت صدرایی، عشق یکی از کمالات وجود حیوان است. مبانی حکمت صدرایی برای اثبات وجود و سرّیان کمال عشق در حیوان عبارتست از اینکه وجود "اصیل"، "بسیط"، "مشکک" و مساوق با حیات و ادراک (شعور) و عشق است و خدا معشوق حقیقی تمام موجودات از جمله نفوس حیوانات است. همه‌ی حیوانات عاشق هستند اما به لحاظ وجودی، مرتبه‌ای دارند و به قدر شدت و ضعف در مرتبه حیوانی خود به زیور کمالات آراسته‌اند، یعنی؛ همه حیوانات در یک سطح نیستند و حدّ این کمالات به تناسب سهم آنان از وجود بستگی دارد. اما هر حیوانی که عالی‌ترین سهم را از مرتبه‌ی خویش داراست از عشق بیشتری نیز برخوردار است. به باور صدرالدین، به لحاظ تکاملی، حیوان تنها تا جایی می‌تواند پیش رود که انسانیت از آن جا آغاز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حکمت صدرایی، ملاصدرا، حیوانات، احساسات، عشق.

مقدمه

۱. بیان مسئله

امروزه، بخش قابل توجهی از الگوها و سامانه‌های ارزیابی رفاه (آسایش) حیوانات و نیز رویکردهای اخلاقی و حقوقی رفتار با حیوانات، مبتنی بر سنجش ظرفیت روانی، احساسات و عواطف آنان است (ویسیر و همکاران^۱، ۲۰۰۹). در حیطه احساسات و عواطف حیوانات، مشاهدات تجربی و یافته‌های علمی چشمگیری وجود دارد که نشان می‌دهند اظهار و ابراز عشق و جفت‌گیری، رفتارهایی هستند که در طول عمر حیوانات به اشکال متنوع به دفعات در بازه‌های زمانی مختلفی آشکار و تکرار می‌شوند. بسیاری از جانوران غیرانسانی قادر به درک احساساتی هستند که اشکال گوناگون پدیده عشق را می‌توان با آن‌ها تجربه کرد (لدوکس^۲، ۲۰۱۲). این پدیده (عشق) در هر شکلی در تک‌تک افراد هر گونه‌ای از حیوانات چنین القا می‌کند و می‌نمایاند که در طبیعت به شدت هدفمند است: بقای گونه‌ها و تداوم نسل‌ها.

یافته‌های علمی و مشاهدات تجربی نشان می‌دهند که انگاره‌های رفتاری ویژه‌ای در انواع حیوانات تکامل یافته‌اند؛ مانند درک جنسیت (توانایی شناختن یکدیگر نر از ماده)، علاقه و عشق مادری، ابراز و اظهار عشق، رفتارهای خاص هنگام جفت‌گیری، تولیدمثل و زاییدن، شیر دادن، شکار، ابراز غم و اندوه که می‌تواند نشانه ادراک و هدف‌مندی و رفتار براساس اراده برای جلب منفعت و دفع ضرر به عنوان خصوصیت «روح و نفس حیوانی» باشد.

چنانچه گفته شد، براساس یافته‌های علمی و مشاهدات تجربی به نظر می‌رسد که بسیاری از حیوانات غیرانسانی نیز همانند انسان‌ها عاشق یکدیگر می‌شوند. برخی محققین نشان داده‌اند که بین انسان‌ها و حیوانات سیستم‌های مغزی مشترکی وجود دارد که ترکیبات شیمیایی (هورمونی - عصبی) مشابهی را نیز منتقل می‌کنند. وجود چنین مسیرهای عصبی مشترک گواه آن است که اگر انسان‌ها به واسطه چنین سازوکارهایی می‌توانند عشق رمانتیک داشته باشند، شاید برخی دیگر از حیوانات غیرانسانی نیز بتوانند به واسطه وجود چنین سازوکارهای مشترکی، این احساس را به نوعی دیگر و تا حدودی تجربه کنند. یکی

1. Veissier et al

2. LeDoux

از متخصصان و پژوهشگران عرصه علوم رفتاری حیوانات؛ هاینریش^۱، معتقد است که کلاغ‌ها می‌توانند عاشق شوند. او در کتابش می‌نویسد: «من معتقد هستم «از آنجا که کلاغ‌ها دارای همسران بلندمدت هستند» بنابراین آن‌ها نیز همانند ما با هم دوست می‌شوند» (هاینریش، ۱۹۹۹).

پژوهشگر دیگر این حوزه، وارسیگ^۲، نمایش عشق را در نهنگ‌های نواحی جنوبی شبه جزیره والدز^۳؛ آرژانتین، توصیف کرده است. جفت نهنگ به نام‌های آفرو^۴ (مونث) و باچ^۵ (مذکر) هنگام اظهار عشق در حالی که به طور مداوم باله‌ها را لمس می‌کنند، حرکت آرام و نوازشگر خود را با آن‌ها آغاز و به سمت هم حرکت کردند، هر دو دست خود را در آغوش گرفتند و سپس به پهلو غلت زدند و در همین وضعیت پهلو به پهلو، در حال لمس کردن و شیرجه زدن به طور هماهنگ شنا کردند. وارسیگ معتقد است که آفرو و باچ گویی به شدت جذب یکدیگر شده و حس «سوز و گداز» هنگام شنا کردن دارند (وارسیگ، ۲۰۰۰).

گودال^۶ از متخصصین و پژوهشگران فعال و شهیر رفتار حیوانات، فلینت^۷ (یک شامپانزه هشت و نیم ساله) را در حالی مشاهده کرد که از گروه خود کناره‌گیری می‌کند، غذا نمی‌خورد و در نهایت پس از مرگ مادرش (فلو)^۸ می‌میرد (گودال، ۱۹۹۰). وی همچنین گزارش کرد که دلفین‌ها در تلاش برای نجات یک نوزاد مرده نیز مشاهده شده‌اند. کنراد لورنز^۹، برنده جایزه نوبل، غم و اندوه در غازها را مشاهده کرد که شبیه غم و اندوه در کودکان خردسال بود (گودال، ۲۰۰۰).

بکاف^{۱۰} می‌نویسد: مادران شیرهای دریایی بچه‌های خود را که توسط نهنگ‌های قاتل خورده می‌شود، تماشا می‌کنند و به طرز ترسناکی جیغ می‌کشند و با حالت رفتانگیزی شیون می‌کنند و از دست دادن آن‌ها تاسف می‌خورند.

-
1. Heinrich
 2. Würsig
 3. Valdes Peninsula
 4. Afro (female)
 5. Butch (male)
 6. Goodall
 7. Flint
 8. Flu
 9. Conrad Lorenz
 10. Bekoff

پوله^۱ در مقاله معروفش با عنوان «کشف همانندی میان خودمان و فیلها» درباره مشاهداتش از رفتار فیلها می‌نویسد: فیلها برای نگهداری بالای سر یک نوزاد مرده به مدت چند روز با سر و گوش آویزان، آرام و آهسته طوری حرکت می‌کنند که انگار افسرده هستند (پوله، ۱۹۹۸). وی ادعا می‌کند که اندوه و افسردگی در فیل‌های یتیم پدیده‌ای واقعی است.

مک‌رای^۲ حالت‌های گوریل‌های یتیم مصدوم را شرح می‌دهد: «نور در چشم آن‌ها به سادگی بیرون می‌رود و آن‌ها می‌میرند» (مک‌رای، ۲۰۰۰).

با وجود مشاهدات تجربی و یافته‌های آزمایشگاهی متعدد، تامل در مفهوم پدیده‌های احساسی و عاطفی همانند عشق حیوانات گوناگون و مصادیق آن با ابهام در قدرت بیان (تکلم) در حیوانات و نیز انسان‌انگاری احساسات آنان در هم آمیخته است. علاوه بر این، اتکای محض به ابزار آزمایشگاهی و تحقیقات میدانی، رویکردهایی ناهمگون را در دیدگاه‌ها به نمایش می‌گذارند، آنگونه که بسیار دشوار است بتوان به صراحت مشخص نمود؛ چگونه رفتاری معین که از آنان سر می‌زند عاشقانه و برخاسته از غریزه جنسی است. بنابراین، تا به امروز، هیچ‌یک از حوزه‌های شناختی، علمی و فلسفی به تنهایی نتوانسته است از پدیده ناشناخته و اسرارآمیز عشق حیوانات رمزگشایی کند و از این روست که شاید بتوان ادعا کرد که کسب معرفت در باب احساسات و عواطف حیوانات برای تکمیل داده‌ها و ایده‌های مرتبط، مستلزم گفتمان تعاملی، پویا و جدی در چارچوب پژوهش‌های بنیادین فلسفی در جنب تحقیقات آزمایشگاهی و میدانی زیست‌شناسان و متخصصان علوم دامی، روان‌شناسی و رفتاری است (ریگان^۳، ۱۹۸۳؛ سینگر^۴، ۱۹۷۵ و بکاف^۵، ۲۰۱۲).

پژوهش‌های بنیادین پیرامون اندیشه‌ها و آثار هر دو گروه فلاسفه قدیم و معاصر در زمینه شناخت احساسات و عواطف، رفاه، اخلاق و حقوق حیوانات، نشان می‌دهد هر کدام رویه و رویکردهای ویژه‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند (پل و مندل^۵، ۲۰۱۸).

میان رویه‌ها و رویکردهای مختلف که هر کدام از جنبه‌ای خاص به موضوع می‌پردازند، نظرات متعدد، اما منطقی و قابل قبول نیز فراوان است (شهبازی، ۱۳۹۱).

-
1. Poole
 2. McRae
 3. Regan
 4. Singer
 5. Paul & Mendl

ارسطو^۱ به سلسله مراتب طبیعی با عنوان «نردبام طبیعت» در میان موجودات زنده که مبنای طبقه‌بندی قابلیت‌های آن‌ها بود اعتقاد داشت. باور پیروان فیلسوف مشهور رنه دکارت^۲ این بود که حیوانات روایات‌هایی هستند که شرطی شده‌اند تا به طور خودکار به محرک-هایی که در معرض آن قرار دارند، پاسخ دهند. برای همگان شاید قابل درک و پذیرش نباشد که حیوانات تنها مخلوقات ماشینی و روایات‌هایی بی‌احساس در طبیعت هستند (پنکسپ^۳، ۲۰۰۴).

گروهی از رفتارگرایان از جمله جان برادوس واتسون^۴ و بی. اف اسکینر^۵، هرگونه بحث در مورد احساسات و عواطف حیوانی را غیرعلمی دانسته و برخلاف آنان، محققینی در زمینه‌های زیست‌شناسی، عصب‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق و فلسفه، مطالعه و پردازش در مورد احساسات، عواطف، عشق و ذهن حیوانات غیرانسانی را به صورت عینی باور داشته (آلن^۶، ۱۹۹۸؛ لدوکس، ۲۰۱۶، بکاف، ۲۰۰۰؛ بکاف و پیریس^۷، ۲۰۰۹؛ اندرسون و آدولف^۸، ۲۰۱۴؛ پانکسپت^۹، ۱۹۸۲ و بریج و کرنگل‌باخ^{۱۰}، ۲۰۰۸) و برخی مدعی وجود علم و آگاهی در حیوانات هستند (میرزایی، ۱۳۹۷).

در همین راستا، در کنار رویکردها و رویه‌های علمی و فلسفی قدیم و معاصر، می‌توان با تاکید و قوت ادعا کرد که دیدگاه و گفت‌مان فلسفه حکمت متعالیه در تبیین پدیده عشق در حیوانات، ناب و منحصر به فرد بوده و جامعیت خاص و جلوه‌ای ویژه دارد. از منظر ملاصدرا، عشق یکی از کمالات وجود حیوان است و خدا معشوق حقیقی تمام موجودات هستی از جمله نفوس حیوانات است.

در این مقاله -به عنوان هدف اصلی- سعی شده دیدگاه هستی‌شناسی صدرایی در مورد پدیده عشق غریزی و نهفته در وجود حیوانات غیرانسانی با استفاده از روش پیمایشی و نیز تحلیلی و توصیفی (اسنادی کتابخانه‌ای) مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، برای رسیدن به

-
1. Aristotle
 2. Rene Descartes
 3. Panksepp
 4. John Broadus Watson
 5. B.F. Skinner
 6. Allen
 7. Bekoff & Peirce
 8. Anderson & Adolphs
 9. Panksepp
 10. Berridge & Kringelbach

این هدف، دو سوال محوری مطرح شده که عبارتند از: چگونه می‌توان پدیده عشق و سریان آن را در حیوانات غیرانسانی بر مبنای نظریه «اصالت وجودم تبیین کرد؟ در حکمت صدرایی، چگونه عشق و شوق با (حبّ) بقای گونه‌ها و تداوم نسل‌ها مربوط و نیز عامل تکامل وجودی حیوانات است؟

واقعیت این است که با وجود اهمیت نظری و کاربردی (اقتصادی-اجتماعی) عوامل روانی و عاطفی موثر بر قلمرو رفاه (آسایش)، رفتار و اخلاق در باب حیوانات، تاکنون توسط متخصصان رشته‌های مربوطه، اطلاعات بسیار کمی مبتنی بر آموزه‌های دانشمندان و حکیمان ایرانی و اسلامی ارائه شده است. به نظر می‌رسد، کمبود (نادر بودن) چنین اطلاعاتی در عرصه دانشگاهی در شرایط حاضر، سبب ضعف در ارائه گفتمان و نظریه‌پردازی در زمینه‌های مربوطه شده و در نتیجه می‌تواند موجب انفعال متخصصین، دانشجویان و دست‌اندرکاران علوم زیستی در پذیرش باورها، فهم میراث عظیم و گنجینه دانش حکما و دانشمندان این سرزمین و مآلا اقدامات مربوطه لازم در حوزه رفاه، اخلاق و حقوق حیوانات شود.

بدیهی است طرح و ارائه نظریاتی که در این مطالعه و پژوهش مورد بحث قرار گرفته است، موجب ارتقا شناخت (دانش) نسبی از گستره آموزه‌های فرهنگ بومی (شرقی - ایرانی) در حوزه‌های فلسفه، روان‌شناسی و رفتارشناسی حیوانی شده و می‌تواند مبنایی کارآمد برای تبیین باورهای عمومی و اجتماعی درباره احساسات و عواطف (به ویژه عشق) در حیوانات و ترویج و تبلیغ روش‌های اخلاقی و حقوقی رفتار با آنان بر اساس متون معتبر اعتقادی فراهم آورد.

در آموزه‌های اسلامی آمده است که هر موجود جاندار، همانند خود را دوست دارد (رازی، ۱۳۶۵) و درک جنسیت (تشخیص نر و ماده) از خصلت‌هایی است که پروردگار حکیم به حیوان عطا کرده است (همان). قرآن کریم نیز به قانون زوجیت (دو جنس نر و ماده) در آیات متعددی مانند آیه ۴۹ سوره الذاریات «همه چیز را زوج (جفت جفت) آفریدیم و آیه ۴۰ سوره هود «(به نوح) گفتیم: از هر جفتی از حیوانات (نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن!» اشاره کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰).

آموزه‌های معتبر اسلامی در زمینه جایگاه حیوانات تا حدی پیش رفته است که حتی می‌توان حیوانات را «شخص» تلقی کرد و این تشخص می‌تواند بنیانی بسیار نیرومند در

تامین رفاه و آسایش و دفاع از حقوق حیوانات و نیز رعایت اصول اخلاق در رفتار با آنان را فراهم آورد.

از آنجا که اخلاق، دانشی کاربردی است و غرض از نظریه‌پردازی‌های اخلاقی در نهایت کاربست آن نظریه‌ها است؛ بنابراین، چنگ زدن به غنای استدلالی آموزه‌های اخلاقی و دینی بر مبنای پژوهش‌های بنیادین فلسفی، امکان نظریه‌پردازی نیرومند در حوزه رفتار و اخلاق حیوانات و در نتیجه علاوه بر آثار بهبود نگهداری، پرورش و تولید (اقتصادی)، موجبات درک و حمایت از اقدامات رفاهی بیشتری را از سوی نهادهای عمومی (اجتماعی) برای آن‌ها فراهم می‌آورد.

در این مقاله، تاثیر نقش «اصالت وجود» در عشق‌شناسی صدرایی و نیز وجود نفس حیوانی و آثار و مراتب آن به منظور تبیین عشق در نفوس حیوانات غیرانسانی به ترتیب بررسی می‌شود.

۲. اصول وجودشناسی صدرایی و تبیین پدیده عشق در حیوانات

در فلسفه ی ملاصدرا «وجود» کلیدی‌ترین مفهومی است که متن واقع را پر کرده است و حیوان یکی از موجودات متن واقع است که دارای صفات کمالی مختص به مراتب خود است. ملاصدرا بر این باور است که اگر یک صفت کمال در مرتبه‌ای از مراتب وجود مشاهده شود، آن صفت در همه مراتب وجود سریان دارد. از منظر حکمت صدرایی، همه مراتب وجود، دارای علم، قدرت، شعور، حیات و دیگر صفات کمالی هستند با این تفاوت که در مراتب برتر، قوت بیشتر دارد و در مراتب پست‌تر، ضعیف‌تر است. حیوانات نیز در میدان هستی مرتبه‌ای دارند و به قدر مرتبه حیوانی خود به زیور کمالات آراسته‌اند. شدت و ضعف در مرتبه حیوانی نیز وجود دارد؛ یعنی به لحاظ وجودی همه حیوانات در یک سطح نیستند. کمالات آن‌ها نیز چونان وجود آن‌ها همین گونه است.

۲-۱. آنچه متن هستی را پر کرده است، وجود است (اصالت وجود)

کلیدی‌ترین مفهوم در میان آموزه‌های حکمت صدرایی، نظریه «اصالت وجود» است. بر اساس فلسفه حکمت متعالیه آنچه اصیل است و متن (حاق) عالم واقع (هستی) را پر کرده است، نه ماهیت (ذهنیت و اعتباریت) اشیا، بلکه وجود (عینیت و خارجیت است) آن‌هاست. ماهیت، جز امری انتزاعی از حلد وجود نیست. به بیان دیگر، ملاصدرا، تنها وجود را در

خارج محقق می‌داند و بنا بر باور وی، ماهیت، جز امری انتزاعی از حد وجود نیست. وی تصریح می‌کند که آثار و احکام مترتب بر یک شی، متأثر از وجود آن است. بنابراین، وجود، شایسته‌ترین چیز به تحقق است و غیر وجود به واسطه وجود، دارای حقیقت می‌شود. پس وجود، حقیقت هر دارای حقیقتی است و در تحقق خود به حقیقت دیگری نیاز ندارد. وجود بنفسه در اعیان است و غیر آن (ماهیات) به واسطه آن در اعیان تحقق دارند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۲).

۲-۲. وجود بسیط است

بر اساس فلسفه صدرایی، وجود یک واقعیت عینی است که ساده و منحصر به فرد است؛ یعنی جزء ندارد، زیرا غیر از وجود، چیزی تحقق ندارد که بتواند جزء آن باشد.

۲-۳. وجود، مقوله‌ای تشکیکی است

ملاصدرا معتقد است، وجود، امری مشکک است؛ بنا بر وحدت وجود، وجود یک واحد حقیقی عینی است و افراد و مراتب آن اختلاف تباینی ندارند، بلکه تفاوت افراد وجود به شدت و ضعف در وجود است؛ یعنی اختلاف تشکیکی در درجات و صفات کمالی وجود است. به عبارت دیگر، سنخ وجود، سنخ واحدی است و همین سنخ واحد در خود وجود با یکدیگر تفاوت دارند. هر مرتبه‌ای نسبت به مرتبه مادون خود به گونه‌ای است که تمام کمالات آن را دارد و از نقایص و محدودیت‌های وجود مادون، مبراست و همین مرتبه، محاط به مرتبه بالاتر از خود است. به سخن دیگر، وجود، واحدی بسیط است و اختلاف درجات به شدت و ضعف و کمال و نقص است. مطابق همین وجودشناسی تشکیکی، صدرا به اثبات شوق و عشق در ماده (هیولا)، نفس نباتی، نفس حیوانی، نفس انسانی، عقول و سرانجام ذات اقدس الهی می‌پردازد و عشق را در یکایک این مراتب به اثبات می‌رساند (سبزواری، ۱۳۶۱).

۲-۴. کمال، امری وجودی و شر، امری عدمی است

در حکمت صدرایی، کمال، امری وجودی و شر، امری عدمی است. کمال و صفات کمالی نمی‌توانند در غیر وجود، یافت شوند، چرا که غیر وجود، حقیقتی ندارد. پس کمال، همان وجود است و دوئیتی بین آن‌ها نیست. صدر المتالهین شیرازی در «مفاتیح الغیب» از ارسطو

نقل می‌کند که موجودات به حسب عقل از پنج قسم خارج نیستند: «۱- خیر محض، ۲- شر محض، ۳- آنچه خیرش بر شرش غالب است، ۴- آنچه شرش بر خیرش غلبه دارد و ۵- آنکه خیر و شرش مساوی هستند. در دایره وجود از این پنج قسم، تنها دو قسم، تحقق دارند که عبارتند از خیر محض و خیر غالب و سه قسم دیگر نمی‌توانند محقق باشند؛ زیرا شر، ذاتی ندارد، بلکه امر عدمی است؛ یعنی یا عدم ذات است یا عدم کمال ذات. اگر شر، امر وجودی بود یا برای خودش شر بود و یا برای غیر. فرض اول، مستحیل است؛ زیرا در این صورت نمی‌توانست محقق شود، چراکه هرگز وجود شی مقتضی عدم خودش یا عدم کمالش نخواهد بود؛ زیرا هیچ شکی نیست که هر شیئی طالب کمالاتش است. شر برای غیر هم ممکن نیست زیرا شریتش به این است که آن غیر را یا کمالی از کمالاتش را معدوم کند؛ زیرا علم ضروری حاصل است که هرچه منعدم‌کننده غیر یا کمالات غیر نیست، نمی‌تواند برای او شر به حساب آید. پس شری وجود ندارد جز همان عدم و نه آن امر وجودی؛ مگر آنکه بالعرض، شر به حساب آید و تو اگر در حال شرور تامل کنی و آحاد شر را در این عالم استقراء نمایی، درمی‌یابی که هر آنچه اسم شر بر آن نهاده‌اند، یا عدم محض است و یا امری است که به یک امر عدمی منتهی می‌شود» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳).

حاج ملاهادی سبزواری نیز در «شرح منظومه» می‌نویسد: «حکما بر اینکه وجود خیر محض و شر عدم است، ادعای بداهت کرده‌اند. عکس نقیض این دو قضیه می‌شود هر آنچه خیر محض نیست، موجود نیست و هر آنچه عدم نیست، شر نیست. حکم بدیهی نیازمند به برهان نیست و اگر هم استدلالی بر آن اقامه شود، فقط از باب تنبیه است» (سبزواری، ۱۳۶۱).

۲-۵. وحدت وجود و کمال

وجود و کمال، هر دو یک حقیقت هستند؛ هر چه وجود، اشتداد یا بد صفات کمالی در آن ظاهرتر و شدیدتر و به نحو بسیط‌تر محقق است و هر چه وجود، ضعیف‌تر باشد، صفات کمالی در آن ضعیف‌تر خواهد بود. ملاصدرا در «مفاتیح‌الغیب» می‌نویسد: «همان گونه که مرارا بیان شد وجود هر چه قوی‌تر باشد، حیظه‌اش نسبت به مراتب بیشتر و سعه آن اوفر و گسترده‌تر است بر جمعیت درجات و مراتب. آیا نمی‌بینی که چگونه حیوان، کارهای جماد و نبات را انجام می‌دهد به علاوه خصوصیتی که مختص به خودش است مانند حساس و مرید بودن و انسان افعال همه این مراتب را انجام می‌دهد. مضافاً بر نطق و عقل همه این

امور را با انشاء انجام می‌دهد و باری تعالی مفیض همگان است به هر نحو که بخواهد» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳).

به باور صدرالمتالهین مفهوم بدیهی وجود، دارای مصداقی حقیقی و عینی است و حقیقت و ذات وجود، عین فعلیت و تحقق است. پس با توجه به مفهوم خیر به سهولت به این امر پی می‌بریم که خیر، ماهیت و مفهومی ذهنی نیست، بلکه عین واقعیت و وجود خارجی است. وجود، خیر محض است و اثبات خیریت وجود نیازی به برهان ندارد (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

۶-۲. عشق یکی از کمالات وجود است

چنانکه گفته شد، حیوانات نیز همه کمالات از قبیل حیات، قدرت، عشق و... را به تناسب سهمشان از وجود داریند. در خصوص وجود کمال عشق در حیوانات دو نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

۱-۶-۲. عشق، فرع بر حیات و ادراک است

اسناد عشق به مادیات و جسمانیات، مسبوق به اسناد و اثبات حیات، شعور (ادراک) و اراده به آن‌هاست. به سخن دیگر، بدون اثبات حیات و ادراک در موجودات، عشقی هم نمی‌تواند در میان باشد؛ زیرا تا موجودی حی و مدرک نباشد، نمی‌تواند طالب و عاشق چیزی باشد.

۲-۶-۲. وجود مساوق عشق است (سریان عشق)

تاکنون دانسته شد که در حکمت صدرایی، مبنای اثبات عشق و شوق در همه موجودات و شرط سریان عشق در تمام هستی، پذیرش «اصالت وجود» و مساوقت وجود با خیر و کمال است. توضیح این قاعده چنین است؛ وجود (در مقابل عدم) خیر است و بدین سبب مطلوب و محبوب همگان واقع می‌شود. به عبارت دیگر، از یک طرف، وجود، مطلوب هر موجودی است و از طرفی، وجود، حقیقت مشترک در میان تمامی موجودات است؛ از این رو، حقیقت مشترک وجود، خیر و مطلوب همگان است. ذات یک موجود و کمالات او اموری وجودی‌اند. بنابراین، هر آنچه نام هستی بر آن صدق می‌کند، عاشق ذات و کمال ذات خویش است. هر موجود علاوه بر ذات خویش به علت خود نیز عشق می‌ورزد؛ زیرا

علت، کمال و تمام معلول خود است و دوام وجودهای معلولی در گرو علت آنهاست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸).

نتیجه اینکه براساس تعالیم صدرایی، معلول و علت هر دو از سنخ وجودند و از این-روست که هر موجودی عاشق ذات خویش، کمال ذات خویش و علت خویش است و پذیرش این سه، فرع بر پذیرش اصالت وجود است.

در پایان بخش نخست این مقاله؛ تاثیر نقش «اصالت وجود» در عشق‌شناسی صدرایی می‌توان گفت: «از آنجا که هر خیر و کمالی به وجود بازمی‌گردد؛ بنابراین، عشق و شوق در تمام موجودات؛ انسان و حیوانات غیرانسانی و حتی جمادات و نباتات، ساری و جاری است. اگر عشق نبود، زمین و آسمان و خشکی و دریا و آب و هوا نیز نبود».

۳. وجود نفس، آثار و مراتب آن و سریان کمال عشق در حیوانات

طبق آموزه‌های صدرایی، حیوان، یکی از موجودات متن واقع است که دارای نفس (ویا روح) بوده و بنابراین، دارای صفات کمالی؛ حیات، ادراک (شعور) و عشق (ویژگی‌های نفس) است. صدرالمتألهین وجود و عشق را عین یکدیگر و هر دو را عین حسن و جمال می‌داند. به باور او، هستی مساوق و ملازم با عشق است و خداوند که کل الوجود است کل العشق و کل الحسن نیز است. بر این اساس، همان گونه که وجود در مراتب ماهیات بسیط مجرد و مرکب فلکی و عنصری سریان دارد به حسب مراتب بر جمیع موجودات انبساط یافته است (خلیلی، ۱۳۸۵).

در ادامه مقاله برای تبیین عشق در نفوس حیوانات به کنکاش در آثار مختلف ملاصدرا و پیروان مکتب وی در مباحث مربوط به وجود حیوان، وجود نفس حیوانی، آثار کمالی وجود نفس حیوانی، سریان کمال عشق در نفوس حیوانی و در انتها مرتبت نفس حیوان و انسان پرداخته می‌شود.

۳-۱. وجود حیوان

از دیدگاه ملاصدرا، حیوان وجود دارد و یک واحد حقیقی عینی است؛ بنابراین، دارای صفات کمالی است، اما این صفات، مختص به مراتب خود اوست. ملاصدرا بر این باور است که اگر یک صفت کمال در مرتبه‌ای از مراتب وجود مشاهده شود، آن صفت در همه مراتب وجود سریان دارد؛ با این تفاوت که در مراتب برتر، قوت بیشتر دارد و در

مراتب پایین‌تر، ضعیف‌تر است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳). ملاصدرا در «الشواهد الربوبیه» می‌نویسد: «بدرستی که وجود در هر شیئی، عین علم و قدرت و سایر صفات کمالی برای «موجود بما هو موجود» است، اما در هر موجودی به حسب وجودش» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰). وی در «مفاتیح‌الغیب» نیز بیان می‌کند که «برای هر حیوانی، ملکی است که به او الهام و وحی می‌کند و برای او هادی‌ای است که وی را هدایت می‌نماید و راننده‌ای است که او را به سوی خصایص افاعیل عجیبش سوق می‌دهد همان-گونه که در کلام الهی آمده‌است که «و وحی کرد پروردگارت به زنبور عسل که از کوه‌ها برای خود خانه‌ای برگزین» و برخی از این افاعیل استبعادی ندارد برای موجودات دارای مشاعر جزئی» (همان). مضاف بر اینکه ما انکار نمی‌کنیم که برخی از حیواناتی که درجه وجودی آن‌ها به مراتب نازل‌تر از انسانی نزدیک است، دارای حشر به بعضی از برازخ سفلیه اخروی هستند.

ملاصدرا در «اسفار» از ارسطو نقل می‌کند که گفت: «هر اندازه که حیات به سوی مراتب نازل و سفلی‌تر وجود سیر کند، حیاتی دنی و پست خواهد بود و قوای حیوانی هر اندازه که به سوی مراتب دنیه سلوک نماید، ضعیف می‌شود و برخی از افاعیل آن‌ها پنهان‌تر می‌شود؛ بنابراین، حیوانی دنی و ضعیف حادث می‌شود، پس هنگامی که ضعیف شود عقل او زائل می‌شود و به جای آن اعضای قوی حادث می‌شود همان‌گونه که برای برخی از حیوانات ناخن‌ها و چنگال و برای برخی دیگر شاخ و دندان‌های نیش قوی است و این به خاطر نقصان حیات در آن‌هاست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸).

۲-۳. نفس حیوان

بنا بر باور ملاصدرا، «نفس قوه‌ای است که در جسم موجود است، یا به آن تعلق می‌گیرد و منشا آثار گوناگون می‌گردد». برخی اجسام دارای آثاری هستند که به صورت یکنواخت از آن‌ها ظهور می‌یابند. به عنوان مثال، آتش همواره دارای سوزندگی یا ایجاد حرارت است، اما اجسام دیگری هستند که آثار یکنواختی ندارند؛ به مثال، انسان گاهی نشسته است و گاهی ایستاده، زمانی می‌بیند و زمانی می‌شنود و همچنین دارای ادراکات متفاوتی است. این آثار از مبدا واحدی سرچشمه می‌گیرند که نام آن را «نفس» می‌گذاریم. بنابراین، نفس یک موجود غیرمادی است که تمام اعضای آن نیز غیرمادی است؛ خواه نفس عقلانی باشد

و اعضای آن عقلانی، خواه حیوانی باشد و اعضای آن مثالی و خواه نباتی باشد و اعضای آن نیز هم سنخ خودش (صدرالدین شیرازی، ۱۳۹۱).

۳-۲-۱. اعطای نفس حیوانی، مرحله‌ای از مراحل تکوین عالم ماده

ملاصدرا معتقد است مراحل تکوین موجودات مادی، از بسیط‌ترین و ساده‌ترین اشیا شروع و تا مرحله پیدایش ترکیبات کامل پیش می‌رود. در بعضی از این مراحل مانند مرحله ایجاد حیوان، ترکیبات مادی به تنهایی کارساز نیست و تکمیل آن مرحله و پیدایش موجودی که اقتضائات نظام آفرینش را تامین کند، نیازمند پیوستن یک نیروی غیرمادی؛ یعنی «نفس حیوانی» است. پس نه تنها حیوان، نفس دارد، بلکه بدون نفس حیوانی، حیوان نخواهد بود. پیوستن نفس به ترکیبات مادی حیوان یکی از اقتضائات نظام عالم ماده است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶).

همان قانونی که در مورد انسان و گیاه نیز صدق می‌کند؛ «نیروی غیرمادی» یا «نفس» وجه افتراق موجودات مادی از یکدیگر است. در بعضی از آن‌ها مثل جمادات، نبود این نیرو و در بعضی دیگر وجود آن، هویت آن‌ها را تشکیل می‌دهد و آنگاه، تفاوت رتبه نفس در موجودات دارنده آن، موجب تفاوت سطح آن‌ها می‌شود. نفس گیاه در پایین‌ترین رتبه قرار دارد، نفس انسان در بالاترین درجه و نفس حیوان، حد وسط است. از این رو، «نفس حیوانی» یکی از مصادیق نفس در هستی و دارای ویژگی‌های حس (نیروهای ادراکی) و حرکت ارادی (نیروهای تحریکی) است. «حس» در اینجا به معنای مطلق ادراک (غیر از تعقل) است (سبزواری، ۱۳۹۶). گروهی نیز معتقدند که حقیقت نفس حیوان، همان نیروی وهمیه بوده و دیگر نیروها در خدمت آن هستند (مصباح، ۱۳۹۳).

بنابراین، طبق اندیشه‌های ملاصدرا، حیوان قطعا از «نفس» و جنبه وجودی غیرمادی برخوردار است؛ چون دارای قوه‌ای است (قوه خیال) که اشباح و صورت‌های مثالی را درک می‌کند. این صورت‌ها، قابل اشاره حسی نیستند، پس در این عالم نیستند (از سنخ مادیات نیستند). پس موضوع این صورت‌ها که محل و مقوم آن‌هاست نیز قابل اشاره نیست. در نتیجه، جسم و جسمانی هم نیست؛ چون هر جسم و جسمانی، دارای وضع مادی است و هر آنچه قائم به آن باشد نیز همین وضع را خواهد داشت. در حالی که صور و اشباح قائم به قوه خیال اینچنین نیستند. پس قوه خیال هم وضع مادی ندارد و جسم و جسمانی نیست (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶).

۳-۳. آثار وجود نفس حیوانی

به نظر ملاصدرا، آثار و احکام مترتب بر یک شی، متأثر از وجود آن است. به باور وی، همه کارهای عالم با اراده انجام می‌گیرد حتی در جمادات و نباتات، اما این اراده از عقول و نفوس بالاتر صادر می‌شود و جماد و نبات، بالاجبار، واسطه تحقق اراده می‌شوند و در حیوان و انسان، مبادی کار تا رسیدن به مرحله اراده و سپس انجام کار، توسط نفس آنها انجام می‌گیرد و به خاطر همین، افعال حیوان و انسان متنوع است در حالی که در نبات و جماد همواره سیاق واحدی دارند (همان). اولین مبدا افعال در حیوان، خیال و وهم و در انسان، عقل عملی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶). خیال و وهم و عقل و اراده و...، همگی آثار و نمودهای نفس و یکی از وجوه تمایز موجودات صاحب نفس از اشیای فاقد نفس است. بنابراین، ملاصدرا معتقد است که حیوانات دارای نفس متخیل هستند که همانند نفس متخیل انسان، مجرد است (همان). نفس حیوان دارای تجرد برزخی و مثالی است؛ یعنی از رتبه‌ای میان عالم حس و عقل برخوردار است. آخرین رتبه‌اش، رتبه خیال و وهم است و در واقع، نفسش نفس خیالی و مثالی است. به خاطر همین تجرد و به واسطه قوه باطنی خود، قادر است تا نسبت به خودش علم حضوری پیدا کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۳) در حالی که هیچ شی مادی از چنین توانایی برخوردار نیست.

ظهور و بروز الگوها و آثار و افعال (رفتاری) ظاهری گوناگون توسط برخی حیوانات مانند ساختن خانه شش گوش (زنبور عسل)، تنیدن تار (عنکبوت)، تقلید (طوطی و میمون)، فراست (اسب)، ریاست (شیر)، وفاداری (سگ)، مکر و حيله (کلاغ)، علاقه و عشق به فرزند (زادگان)، وفای نسبت به صاحب خود، درک جنسیت (توانایی شناختن یکدیگر نر و ماده)، رفتارهای خاص هنگام جفت‌گیری، تولید مثل و زائیدن، شیر دادن، شکار، زندگی اجتماعی و مواجهه با خطر (دفاع و رم کردن)، درک خوش رفتاری و بدر رفتاری مراقب خود، نمایش اظهار و ابراز عشق (مثال: معاشقه طاووس)، دادن هدایا برای اظهار عشق به جفت (مثال: پرستوی دریایی نر که برای جفتش یک ماهی کوچک به رسم هدیه می‌آورد و کبوترهای الماسی استرالیا یک دسته علف آبی برای یکدیگر پیشکش می‌آورند)، سوگواری در فقدان جفت (مثال: شامپانزه‌ها که وقتی جفتشان را از دست می‌دهند تا مدت‌ها از کنار جسد تکان نمی‌خورند و به کسی هم اجازه نزدیک شدن به

آن را نمی‌دهند)، استرس به هنگام ترک جفت (افزایش سطح کورتیزول خو کچه نر زمانی که از جفت ماده خود دور می‌شود)، و....

به نظر ملاصدرا، نشانگر وجود شعور جزئی نشات گرفته از نفس در حیوان است و حتی رتبه بعضی از آن‌ها نزدیک به رتبه انسانیت است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶). علاوه بر این، گوناگونی آثار و افعال (رفتار) حیوانی نه تنها نشانه‌ای بر نفس در حیوان است، بلکه دلیلی عقل‌پسند بر این مدعا است؛ چون اثر حاصل از ماده و طبیعت صرف، همواره تکراری و بر روشی واحد است، اما وقتی این خصوصیت به وضعیتی تبدیل شود که حتی نتوان دو نمونه مثل هم را پیدا کرد و در هر بار به حسب اقتضای شرایط بیرونی و درونی فاعل، فعلی متفاوت به انجام رسد، عقل حکم می‌کند که چیزی غیر از ماده و جسم دخالت دارد (مصلح، ۱۳۹۱).

علاوه بر آثار دنیایی نفس، می‌توان از معاد و بازگشت و حشر جسم و روح هر موجود دارای نفس نیز سخن گفت. به همین دلیل، تمام کسانی که به بحث پیرامون معاد پرداخته‌اند، بخشی را به معاد نفوس حیوانی و شرایط و جزئیات این بازگشت اختصاص داده‌اند.

۳-۳-۱. آثار نفس حیوانی؛ حیات و ادراک (شعور)

چنانچه گفته شد، طبق آموزه‌های صدرایی، حیات و ادراک (شعور) در تمام مراتب هستی حضور و بروز دارد؛ از این رو، همه موجودات عالم از جمله حیوانات برخوردار از حیات و ادراک (شعور) هستند. صدرالمتالهین تاکید دارد، وجود عشق در تمام مراتب، فرع بر وجود حیات و ادراک (شعور) در آن‌هاست؛ بنابراین، بدون اثبات حیات و ادراک (شعور) در موجودات، عشقی هم نمی‌تواند در میان باشد. افلوپین^۱ در «تاسوعات» می‌گوید: به-درستی که عالم کلی در حالت بیداری تام است [یعنی دارای حیات است]. هر جزئی از آن دارای حیاتی است متفاوت با حیات جزء دیگر و هیچ چیز از این حکم خارج نیست (افلوپین، ۱۳۶۳).

برای اثبات سریان درک و شعور در جمیع موجودات بر مبنای هستی‌شناسی صدرایی کافی است باور کنیم که وجود «اصیل»، «بسیط»، «مشگک» و مساوق با حیات و ادراک

1. Plotinus

(شعور) است. تمام صفات کمالی که مساوق با وجود است به دلیل بساطت موجود در همه مراتب هستی با آن همراه و ملازم هستند؛ یعنی صفات کمالی وجود همانند خود وجود وحدت تشکیکی داشته و مراتب آن‌ها به شدت و ضعف است. به عنوان مثال، حیات، قدرت و درک و شعور در مراتب شدید وجود، شدید و در مراتب ضعیف و نازل آن، ضعیف است و هیچ مرتبه‌ای از هستی نیست که با درجه‌ای از حیات، قدرت و درک و شعور همراه نباشد. با توجه به این مقدمات به این نتیجه می‌رسیم همان‌گونه که وجود حقیقتی ساری و جاری در همه موجودات است، صفات حقیقی او که ادراک و شعور (آگاهی) است در جمیع موجودات عالم از پست‌ترین آن‌ها تا برترین‌شان و از جمله در حیوانات سریان و جریان دارد (میرزایی، ۱۳۹۷).

۳-۳-۲. آثار نفس حیوانی؛ معرفت (علم) به خداوند (ادراک توحیدی حیوانات)

در حکمت صدرایی، همه هستی نه تنها خداشناس هستند، بلکه تنها خدا را می‌شناسند و به غیر او علمی ندارند؛ زیرا در سیستم وجود رابط و مستقل، غیر از وجود مستقل نمی‌توان وجود دیگری را تصور کرد. همه هستی نسبت به خداوند عین‌الرابط است. همه هستی چون عین‌الرابط هستند و وجود رابط، هیچ حکمی را به نحو مستقل نمی‌پذیرد؛ بنابراین، علم به وجود رابط، همان علم به وجود مستقل است. حتی وجود رابط قبل از اینکه به خود، علم داشته باشد، نسبت به وجود مستقل، عالم است. از این رو، قبل از علم به «وجود رابط» باید علم به «وجود مستقل» حاصل باشد، بلکه چون رابط اساساً حقیقتی جز حقیقت وجود مستقل ندارد؛ از این رو، تنها به وجود مستقل، علم حاصل می‌شود (زینلی، ۱۳۹۶).

۳-۳-۳. آثار نفس حیوانی؛ کمال عشق

خداوند غایت همه موجودات است؛ یعنی همه چیز طالب کمالات او و متشوق به خیر کامل است. پس هر چیز عشق و شوقی به او دارد؛ خواه، ارادی و خواه طبیعی. از این رو، در مکتب حکمت متعالیه به سریان عشق در جمیع موجودات با تفاوت طبقات و مراتب آن اشاره شده است.

مبانی حکمت صدرایی در اثبات سریان عشق در موجودات (از جمله: وجود کمال عشق در حیوان)، مشابه اثبات سریان ادراک و شعور در موجودات (از جمله: کمال ادراک و

شعور در حیوان) است (میرزایی، ۱۳۹۷). از این رو، کافی است چند مقدمه زیر را در نظر گرفت:

- وجود «اصیل»، «بسیط»، «مشکک» و «مساوق» با عشق است.
- واجب الوجود، وجود محض است و بالاترین بهجت و محبت را به ذات خود دارد. حقیقت وجود، مقتضی نقص و تناهی و تحدید نیست.
- هر موجود معلولی، نصیبی از کمال فائض از واجب و نقصی (به حسب حد معلولیت خود) دارد (صادقی حسن آبادی، ۱۳۷۹).
- نتیجه اینکه همه موجودات، عاشق وجود، طالب کمال، گریزان از عدم و نقص و عاشق وجود محض؛ یعنی خداوند هستند. به سخن دیگر، خدا معشوق حقیقی تمام موجودات از جمله نفوس حیوانات است.

صدرا در تبیین سریان عشق، بحث را به انواع مختلف موجودات مادی می‌کشاند و می‌نویسد مگر جز این است که همه افراد هستی جان دارند و زنده‌اند؟ پس اگر زنده‌اند، عاشق می‌شوند، آن هم عاشق علت خود. آیا مگر جز این است که هر موجود صاحب حیات و دارای شعوری عاشق رسیدن به نمونه کامل خویش است؟ پس همه موجودات نیز از این قانون مستثنی نیستند و تلاش می‌کنند تا با نیروی عشق به این کمال دست یابند. به عبارت دیگر، همه موجودات مادی بی‌استثنا مشتاق کمالند: هیولی که هیچ فعلتی ندارد به دنبال دستیابی به صورت کمالی است. جمادات طالب آنند که به مرحله نبات برسند و نبات در پی آن است که به مرحله حیوانی برسد و حیوان نیز در پی آن است که به مرحله انسانی برسد و انسان نیز در پی آن است که پله پله نردبان کمال را طی کند تا به غایه‌الغایات و معشوق‌المعاشیق؛ یعنی خدا برسد. بنابراین، همه موجودات در پی آن هستند که مرحله به مرحله نردبان ترقی را طی کنند تا به خدا برسند (الا الی الله تصیر الامور) و چون ثابت شد که همه موجودات از حیات و شعور برخوردارند، ثابت می‌شود که طلب همه موجودات نسبت به ذات حق، آگاهانه و شعوری است که همان عشق است؛ یعنی عشق چیزی جز طلب آگاهانه نیست. کسی که نمی‌تواند سریان حیات و شعور و علم را در همه موجودات اثبات کند از اثبات عشق در همه موجودات عاجز است (نیکزاد، ۱۳۸۴).

۳-۳-۱. «عشق» عامل تکامل وجودی حیوانات

ملاصدرا در خصوص درجات کمالی موجودات از جمله حیوان می‌نویسد: «نفوس هر چه شریف‌تر و عالی‌تر باشند، دوستی‌ها، محبوب‌ها و رغبت‌های آن‌ها خالص‌تر، نورانی‌تر، لطیف‌تر، با صفات‌تر، زیباتر و ارزشمندتر است. بنابراین، قوای نباتی که عملشان منحصر به تغذیه و رشد و تولید مثل است، عشقشان نیز در جلب غذا و رشد و تولید مثل خلاصه می‌شود. نفس حیوان که از نبات والاتر است و از قوای بالاتری برخوردار است، عشقش نسبت به خوردن و نزدیکی با جنس مخالف، تمتع جنسی و لذات بهیمی، تولید مثل (که حکمت آن، بقای نفس و حفظ نوع است) به نحو لطیف‌تر و برتر صادر می‌شود. در گیاه فقط به صورت طبیعی است، اما در حیوان همراه با اراده و اختیار و به‌کارگیری حس و تخیل است. نفس حیوانی جامع جمیع کمالات نفس نباتی است و هر سه قوه در نفوس نباتی (یعنی قوه‌ی غذایی، نامیه و مولده) در حیوان به نحو کامل‌تر وجود دارد و شهوت حیوانی را رقم می‌زند. فعلی که از این قوا صادر می‌شود در نفس نباتی و حیوانی یکی است، اما در حیوان به صورت لطیف‌تری بروز دارد. معشوق قوه شهوانی در حیوان نیز با معشوق قوای نباتی جز تفاوت مرتبه وجودی، تفاوتی ندارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰). تکامل حیوانات را طبق فلسفه صدرایی می‌توان با بحث حرکت جوهری تبیین کرد. طبق حکمت صدرایی، چون هر موجود مادی دارای حرکت جوهری است؛ از این رو، حیوانات نیز از این امر مستثنی نیستند و می‌توانند در مسیر کمال خود به مراتب بالاتر صعود کنند. به این معنا حیوانات در حال تکامل‌اند، اما نه تکاملی که نتیجه آگاهی و عمل اختیاری است آن‌گونه که در انسان ترسیم می‌شود. ملاصدرا در «مفاتیح‌الغیب» می‌نویسد: «از بین همه موجودات تنها انسان است که امکان تقلب و دگرگونی در احوال و تطور در همه اطوار و تغییر صورت به هر صورت و صفتی را دارد؛ به خلاف دیگر، موجودات که برای هر یک از آن‌ها حدی معین و مقامی معلوم است» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸).

۳-۴. مرتبت نفس حیوان و انسان (تفاوت آثار نفس حیوان و انسان)

آن‌گونه که در مبحث «وجود نفس در حیوان» گفته شد، تکوین عالم ماده به صورت مرحله‌ای است که در هر مرحله، بساطت و پیچیدگی ماده و قابلیت‌های آن فرق می‌کند. به این ترتیب، هر چند ماده حیوان دارای ترکیبی معتدل‌تر از نبات است و آن را شایسته

پذیرش نفس حیوانی می‌سازد، اما همین ماده باید به درجه‌ای کاملاً نزدیک به اعتدال برسد تا پذیرای نفس انسانی شود و موجود انسانی پدید آید. موجودی که مقدر شده تا تمامی موجودات دیگر را به خدمت خود درآورد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۵) و وجود او هدف و غایت خلقت باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶).

انسان با آنکه به لحاظ منطقی و فلسفی از جنس حیوان است، اما آنچه او را به به طور ویژه از حیوان ممتاز کرده، چنان است که گویی اگر تمام انواع حیوانی در یک کفه قرار گیرند و نوع انسان در کفه دیگر، وزانت انسان را با هیچ محکی نتوان آزمود و ارائه کرد. انسان سخن می‌گوید و آنچه را در روح و فکرش می‌گذرد با استفاده از ترکیب حروف و کلمات که شکل و نوع ترکیبات آن قابل احصا نیست به هموعانش انتقال می‌دهد، اما توانایی حیواناتی مثل طوطی در به کار بردن کلمات، محدود و تنها از روی تقلید و بدون تامل درونی است. یا آنچه در حیواناتی مثل زنبور عسل، مورچه و... ثابت شده - که پیام خود را با استفاده از بعضی صداها یا علامات به یکدیگر می‌رسانند - همگی با روشی یکنواخت در طول عمر آن‌ها صورت می‌گیرد. کار مورچه را به عنوان مثال در جمع‌آوری آذوقه، شاید بتوان نوعی آینده‌نگری دانست، اما چون همیشه به یک شیوه و در زمانی خاص انجام می‌گیرد، بیشتر جنبه غریزی و اجباری پیدا می‌کند تا آنکه از روی آگاهی و اختیار باشد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۵).

تمامی حیات و وجود حیوان را حرکت، آن هم از نوع مکانی آن، تشکیل می‌دهد و مبدا و مقصد و مسیر او را قوه خیال و وهم او تعیین می‌کند. محاسبات خیالی و وهمی او نیز بر محور کمال یا سود شخصی و نوعی صورت می‌گیرد. حیوان با حفظ بدن از آفات و امراض، تلاش برای تامین آب و غذا و ارضای غریزه جنسی از یک طرف در حفظ شخص خود و از طرف دیگر در بقای (نسل) خود تلاش می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶). به همین دلیل، نفس حیوان را «نفس خیالی» نامیده‌اند، که نهایت درجه آن نقطه شروع فطرت انسانی است. از این رو، (کمال) حیوان تنها تا جایی می‌تواند پیش رود که انسانیت انسان از آنجا آغاز می‌شود. پایان رتبه خیالی نفس و شروع جنبه عقلی آن، اولین قدم در عالم انسانیت است که برای آخرین درجه‌اش، حدی متصور نیست. انسان با عقل، انسان می‌شود و انسان‌هایی که از عقل استفاده نکرده‌اند، در حد حیوانیت باقی مانده‌اند (همان).

بحث و نتیجه گیری

تقویت گفتمان، نظریه پردازی و تبیین نقش احساسات و عواطف (به ویژه عشق) در حیوانات، می تواند از یک سو سبب ارتقا شناخت (دانش) نسبی از گستره آموزه های فرهنگ بومی و باروری باورهای عمومی و اجتماعی و ترویج و تبلیغ روش های اخلاقی و حقوقی رفتار با آنان بر اساس متون معتبر اعتقادی شود و از سوی دیگر، زمینه اقدامات موثر در حوزه های آموزشی، قانون گذاری و اجرایی را در زمینه های رفاه، اخلاق و حقوق حیوانات فراهم آورد.

بر اساس یافته های علمی و نیز مشاهدات تجربی، الگوهای رفتاری ویژه ای در انواع حیوانات تکامل یافته اند که نشان می دهند بسیاری از جانوران غیر انسانی نیز قادر به درک احساساتی هستند که اشکال گوناگون عشق را می توانند با آنان تجربه کنند. در خصوص تبیین این پدیده (عشق) دو سوال محوری عبارت بود از: چگونه می توان پدیده عشق و سریان آن در حیوانات غیر انسانی را بر مبنای نظریه «اصالت وجود» تبیین کرد؟ در حکمت صدرایی، چگونه عشق و شوق با (حبّ) بقای گونه ها و تداوم نسل ها مربوط و نیز عامل تکامل وجودی حیوانات است؟

دیدگاه و گفتمان حکمت صدرایی در تبیین این دو سوال، نوگرایی ناب، پویایی، جامعیت و جلوه ای ویژه دارد. در حکمت متعالیه آنچه متن هستی را پر کرده است و اصیل است، وجود «بسیط»، «مشکک» و مساوق با خیر و کمال است.

طبق آموزه های صدرایی، حیوان یکی از موجودات متن واقع است که دارای نفس و صفات کمالی آن مانند حیات، ادراک (شعور) و عشق است. بنا به باور ملاصدرا، نفس، قوه ای است که در جسم موجود است یا به آن تعلق می گیرد و منشا آثار گوناگون می شود. ظهور و بروز الگوها و آثار و افعال (رفتاری) ظاهری گوناگون توسط برخی حیوانات به نظر ملاصدرا، نشانگر وجود شعور جزئی (نشأت گرفته از نفس) در حیوان است.

صدرالمتألهین وجود و عشق را عین یکدیگر می داند و معتقد است همان گونه که وجود حقیقتی ساری و جاری در همه موجودات است، صفات حقیقی او که حیات، ادراک و شعور و عشق است در جمیع موجودات عالم از پست ترین آن ها تا برترین شان و از جمله در حیوانات سریان و جریان دارد. همه موجودات، عاشق وجود، طالب کمال، گریزان از

عدم و نقص و عاشق وجود محض؛ یعنی خداوند هستند. به سخن دیگر، خدا معشوق حقیقی تمام موجودات از جمله نفوس حیوانات است. به باور ملاصدرا، نفس حیوانی جامع جمیع کمالات نفس نباتی است و فعلی که از این قوا صادر می‌شود در نفس نباتی و حیوانی یکی است، اما در حیوان به صورت لطیف‌تری بروز دارد. اولین مبدا افعال در حیوانات، خیال و وهم و در انسان، عقل عملی است. پایان رتبه خیالی نفس و شروع جنبه عقلی آن، اولین قدم در عالم انسانیت است که برای آخرین درجه‌اش، حدی متصور نیست (کمال). حیوان تنها تا جایی می‌تواند پیش رود که انسانیت انسان از آنجا آغاز می‌شود. انسان با عقل، انسان می‌شود و انسان‌هایی که از عقل استفاده نکرده‌اند در حد حیوانیت باقی مانده‌اند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Hamid Reza Mirzaei



<https://orcid.org/0000-0002-9973-4754>

منابع

- افلوپین. (۱۳۶۳). *تاسوعات*. ترجمه محمد حسن لطفی. تهران: خوارزمی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۵). *رحیق مختوم شرح حکمت متعالیه*. ب ۴ ج ۲. قم: انتشارات اسراء.
- خلیلی، محمد حسین. (۱۳۸۵). *مبانی فلسفی عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا*. قم: بوستان کتاب.
- رازی (کلینی)، محمد. (۱۳۶۵). *اصول کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- زینلی، روح‌الله، نجف‌زاده تربتی، علیرضا و حسینی شاهرودی، سید مرتضی. (۱۳۹۶). *مبانی فلسفی صدرالمتالهین در اثبات علم تمام موجودات به خداوند، آموزه‌های فلسفه اسلامی*، شماره ۲۰، بهار-تابستان، ۲۹-۴۶.
- سبزواری، هادی. (۱۳۶۱). *شرح منظومه حکمت*. تهران: دانشگاه تهران.
- سبزواری، هادی. (۱۳۹۶). *اسرارالحکم*. تهران: مولی.
- شهبازی، آرامش. (۱۳۹۱). *حقوق حیوانات: تاملی در نظریه و رویه، پژوهش حقوق*، (۳۶) ۱۴، ۳۶-۲۷.
- صادقی حسن‌آبادی، مجید. (۱۳۷۹). *نگاهی به عشق در حکمت متعالیه، خردنامه صدرا*، ۲۰، ۱۰۰-۹۰.

صدرالدین شیرازی، محمد. (۱۳۶۰). *الشواهد الربوبية في منهاج السلوكية*. تصحيح شده سيد جلال الدين آشتياني. تهران: مركز نشر دانشگاهي.

_____ . (۱۳۶۳). *مفاتيح الغيب*. تحقيق محمد خواجهي. تهران: موسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي.

_____ . (۱۳۶۵). *مبدأ و معاد*. ترجمه جعفر شاه نظري، قم: دانشگاه قم.

_____ . (۱۳۶۶). *الشواهد الربوبية*، ترجمه جواد مصلح، تهران: سروش.

_____ . (۱۳۶۸). *الحكمة المتعاليه في الاسفار العقليه* / الاربعه. بيروت: دار احياء التراث العربي.

_____ . (۱۳۸۲). *شرح و تعليقه صدرالمتالهين بر الهيات شفا*. تصحيح نجفقلبي حبيبي. تهران: بنياد حكمت اسلامي صدر.

_____ . (۱۳۹۱). *رساله الحشر*. ترجمه: خواجهي، محمد، تهران: مولي.

مصباح يزدي، محمدتقي. (۱۳۹۳). *شرح اسفار اربعه*. قم: موسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني (ره).

مصلح، جواد. (۱۳۹۱). *علم النفس يا روانشناسي صدرالمتالهين*. تهران: دانشگاه تهران.

مكارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). *تفسير نمونه*. ج ۲۲. چ ۱۸. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلاميه.

میرزایی، حمیدرضا و ابراهيم، سعدي. (۱۳۹۷). *علم و ادراك حيوانات در حكمت صدرایی، حكمت صدرایی*، ۷(۱)، ۱۲۹-۱۳۷.

نيكزاد، عباس. (۱۳۸۴). *سريان درك و شعور و عشق در همه موجودات*، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۴۳، تيرسال، ۳۹-۴۹.

References

- Allen, C. (1998). Assessing animal cognition: ethological and philosophical perspectives. *J Anim Sci* 76:42-7. <https://doi.10.2527/1998.76142x>.
- Anderson, D. , Ralph, A. (2014). A Framework for Studying Emotions Across Species. *Cell*. 157(1):187-200. <https://doi.10.1016/j.cell.2014.03.003>.
- Bekoff, M. (2000a). *Animal Emotions: Exploring Passionate Natures: Current interdisciplinary research provides compelling evidence that many animals experience such emotions as joy, fear, love, despair, and grief—*

we are not alone. *Bio Sci* 50(10): 861–70. [https://doi.10.1641/0006-3568\(2000\)050\[0861:aeepn\]2.0.co;2](https://doi.10.1641/0006-3568(2000)050[0861:aeepn]2.0.co;2).

Bekoff, M. (2000b). *The Smile of a Dolphin: Remarkable Accounts of Animal Emotions*. Discovery Books, New York: USA.

Bekoff, M. (2012). *Animal Emotions and Animal Sentience and Why They Matter: Blending ‘Science Sense’ with Common Sense, Compassion and Heart*, Book; *Animal, trade and ethics*. London: England, p 27-8.

Bekoff, M. , Peirce, J. (2009). *Wild Justice: The Moral Lives of Animals*. University Of Chicago Press, pp 188-95.

Berridge, K. , Kringelbach, M. (2008). Affective neuroscience of pleasure: reward in humans and animals. *Psychopharm* 199(3):457-80. <https://doi.10.1007/s00213-008-1099-6>.

Goodall, J. (1990). *Through a Window*. Houghton-Mifflin, Boston, pp 268-9.

Goodall, J. (2000). “Pride Goeth Before a Fall. ” In *The Smile of a Dolphin: Remarkable Accounts of Animal Emotions* , ed. Mark. Bekoff: Random House, Discovery Books, New York, pp166-8.

Heinrich, (1999). *Mind of the Raven: Investigations and Adventures with Wolf-Birds*. : Cliff Street Books, New York, p 432.

Javadi Amoli, A. (1996). *Rahiq Makhtum, Commentary on the al-Hikmat al-muta’aliyah*, Section 4, Volume 2, Qom, Isra'a Publications. [In Persian]

Khalili, M. H. (2006). *The philosophical foundations of love from the perspective of Avicenna and Mulla Sadra*, Qom, Boostan ketab. [In Persian]

LeDoux, J. (2012). Rethinking the emotional brain. *Neuron*. 73:347-54.

LeDoux, J. , Phelps, L. , Alberini, C. (2016). What we talk about when we talk about emotions. *Cell* 167:1443-5. <https://doi.10.1016/j.cell.2016.11.029>.

McRae, M. (2000). Central Africa's orphaned gorillas: Will they survive the wild?. *Natio Geog* 197: 284–97.

Makarem Shirazi, N. (2001). *Tafsir-e Nemooneh*, Tehran, Publishing Dar al-Kotob al-Eslamyeh. [In Persian]

Mesbah Yazdi, M. T. (2014). *Description of Asfar al-arba’ah*, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute, p. 444. [In Persian]

Mirzaei, H. R., Sadi, I. (2018). Animals’ knowledge and perception from the point of view of Sadraii wisdom, sadra's wisdom, year 7, no. 1, 129-137. [In Persian]

Mosleh, J. (2012). *Mulla Sadra's Psychology*. University of Tehran Press, Tehran. [In Persian]

- Nikzad, A. (2005). Permeation of perception, consciousness and love in all creatures. *Quarterly Journal*; Ravagh Andisheh, No. 43. [In Persian]
- Panksepp, J. (1982). "Toward a General Psychobiological Theory of Emotions. *Behaviour and Brain Sci* 5: 407-467. [https://doi. 10. 1017/s0140525x00012759](https://doi.org/10.1017/s0140525x00012759)
- Panksepp, J. (2004). *Affective Neuroscience. The Foundations of Human and Animal Emotion*. Oxford University Press, New York, pp 480-2.
- Paul, E. S. , Mendl, M. T. (2018). Animal emotion: Descriptive and prescriptive definitions and their implications for a comparative perspective. *Appl Anim Behav Sci* 205:202-9. [https://doi. 10. 1016/j. applanim. 2018. 01. 008](https://doi.org/10.1016/j.applanim.2018.01.008).
- Plotinus (1984). *Tasooat*, Translated by Mohammad Hassan Lotfi, Tehran, Kharazmi Publications . [In Persian]
- Poole, J. (1998). An exploration of a commonality between ourselves and elephants. *Ethica & Animali* 9:85–110.
- Razi (Kolini), M. (1986). *Osul-e-Kafi*, Tehran, Dar al-Kotob al-Eslamyee [In Persian]
- Regan, T. (1983). *The Case for Animal Rights*. University of California Press, Berkeley, California, pp 474-76.
- Sabzevari, H. (1982). *Šarh Manzuma Hekmat*, Tehran, Tehran University Publication. [In Arabic]
- Sabzevari, H. (2017). *Asrar-Al-Hekam*, Tehran, Mula. [In Arabic]
- Sadeghi Hassan Abadi, M. (2000). A glance at Love in Transcendent Wisdom. *Kheradname-ye Sadra*, No. 20, 90-100. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, M. (1981). *Al-Shawadhid al-Rububiyyah*. In Seyyed Jalal al-Din Ashtiani (ed.). Tehran: University Publication Center. [In Arabic]
- _____. (1984). *Mafatih al-qayb*, First Edition, Introduction and Correction by Mohammad Khajavi, Tehran, Institute for Cultural Studies and Research. [In Persian]
- _____. (1986). *al-Mabda' wa'l-ma'ad*, Translated by Jafar Shah Nazari, Qom University Press, Qom, pp. 535. [In Persian]
- _____. (1987). *Al-Shawadhid al-rububiyyah*, translated by Javad Mosleh, Soroush Publications, Tehran. [In Persian]
- _____. (1990). *al-Hikmat al-muta'aliyah fi'l-asfar al-arba'ah*, Beirut al-Thirath al-Arabi, Beirut. [In Arabic]
- _____. (2003). *Explanation and commentary of Sadr al-Mutallah on the theology of healing (Sharhi Elahiat Shifa)*. Najafqali Habibi (Ed.). Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation. [In Persian]

- _____ (2012). *Risalat al-hashr*, translated by Mohammad Khajavi, Mola Publications, Tehran. [In Persian]
- Shahbazi, A. (2011). Animals rights : Reflection on theory and behavior, 14 (36), -Serial Number 39, Winter, 27-36. [In Persian]
- Singer, P. (1975). *Animal Liberation: A New Ethics for our Treatment of Animals*. Random House, New York, p 301.
- Veissier, A. B. , Désiré, L. , Greiveldinger, L. (2009). Animals' emotions: studies in sheep using appraisal theories. *Anim Welf* 18:347-54.
- Würsig, Bernd (2000). Leviathan love. in Bekoff Mark, ed. *The Smile of a Dolphin: Remarkable Accounts of Animal Emotions*. Random House/Discovery Books, New York, pp 224.
- Zinali, R., Najafzadeh Torbati, A, Hosseini Shahroudi, S. M. (2017). The Philosophical Foundations of Molla Sadra in proving the knowledge of all creatures to god, *Teachings of Islamic Philosophy*, No. 20, Spring-Winter, 29-46. [In Persian]

استناد به این مقاله: میرزایی، حمیدرضا. (۱۴۰۰). پدیده عشق در حیوانات از دیدگاه حکمت صدرایی، حکمت و فلسفه، ۱۶ (۶۶)، ۱۵۱-۱۷۶.



Hekmat va Falsafeh (Wisdom and Philosophy) is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.